

### مقایسه سبک‌های دلبستگی دختران عادی و فراری شهر تهران

دکتر علی دلاور<sup>۱</sup>، مهدی جعفری<sup>۲</sup>

#### چکیده

این پژوهش به منظور مقایسه سبک‌های دلبستگی دختران عادی و فراری شهر تهران انجام شده است. فرض اساسی این پژوهش آن است که توزیع سبک‌های دلبستگی دختران فراری متفاوت از دختران عادی است؛ بگونه‌ای که دختران فراری الگوهای دلبستگی ناایمن‌تری نسبت به دختران عادی دارند. به این منظور سبک‌های دلبستگی دو گروه از دختران عادی و فراری مورد مقایسه قرار گرفت. جامعه‌ی آماری این پژوهش که در چارچوب مطالعات علی-مقایسه‌ای قرار می‌گیرد، در برگزیده‌ی کلیه‌ی دختران عادی و فراری شهر تهران در زمان اجرای پژوهش است. نمونه‌ی بدست آمده از دختران فراری شامل ۷۶ نفر از دخترانی است که به دلیل فرار از منزل، در مراکز بازپروری نگهداری می‌شدند. همچنین از بین دختران عادی، ۷۶ نفر که از نظر سن با دختران فراری هم‌تاسازی شده بودند، به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها به وسیله‌ی آزمون سبک دلبستگی بزرگسالان انجام و داده‌ها به کمک آزمون‌های t دو گروه مستقل و مجذور خی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در نهایت یافته‌ها نشان داد شیوع سبک‌های دلبستگی ناایمن در بین دختران فراری بطور چشمگیری بیشتر از دختران عادی است در حالی که عکس این نسبت در مورد سبک دلبستگی ایمن صادق است بگونه‌ای که دختران عادی سبک دلبستگی ایمن‌تری نسبت به دختران فراری دارند.

**واژگان کلیدی:** سبک دلبستگی، دختران عادی، دختران فراری

۱- استاد دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

۲- کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران mhd.jafari@yahoo.com

## مقدمه

از نظر باولبی [۱] آغاز رابطه‌ی نوزاد با مادر به مجموعه‌ای از علائم فطری در نوزاد که مادر را به سمت او می‌کشاند، وابسته است. باولبی معتقد بود به مرور زمان و بواسطه‌ی تعاملات منظم مادر و نوزاد، پیوندی عاطفی و صمیمی بین آن دو ایجاد می‌شود و بدین طریق زمینه‌ی شکل‌گیری دلبستگی کودک به مادر فراهم می‌شود (باولبی، ۱۹۶۹). باولبی معتقد بود دلبستگی زمانی بوجود می‌آید که رابطه‌ای گرم، صمیمانه و پایا بین کودک و مادر برقرار باشد، بگونه‌ای که برای هر دو رضایت‌آمیز و لذت‌بخش باشد (سادوک، ۲۰۰۳). با این وصف می‌توان دلبستگی را نوعی جو هیجانی حاکم بر روابط کودک با مادر یا جانشین او تعریف کرد (خوشای، ۱۳۸۶) (برک، ۲۰۰۱) دلبستگی را پیوند عاطفی عمیقی می‌داند که با افرادی خاص در زندگی برقرار می‌شود، بگونه‌ای که تعامل با آنها باعث احساس نشاط و شغف شده و وجود آنها به هنگام تنش، مایه‌ی آرامش باشد. روابط دلبستگی بوسیله‌ی نیاز به حفظ مجاورت، پریشان شدن به مجرد جدایی، مسرور شدن به محض بازگشت و محزون شدن به هنگام از دست دادن فرد مورد دلبستگی مشخص می‌شود (دانیل، ۲۰۰۶). پژوهش‌هایی که بر کیفیت تعامل کودک و مادر معطوف بوده، پژوهشگران را به شناخت ۴ سبک دلبستگی رهنمون کرده است که یکی از آنها الگوی دلبستگی ایمن [۲] و سه الگوی دیگر، بازنمای الگوهای دلبستگی نایمن [۳] است (آیزورث، ۱۹۷۸).

پژوهش‌های بسیاری نشان داده است که هر الگویی از دلبستگی، مجموعه ویژگی‌های رفتاری خاصی را در فرد بر می‌انگیزد؛ و روابط نزدیک [۴] و تجارب هیجانی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (جیلاث، ۲۰۰۵) و مبنای تعاملات و چارچوب‌های فکری و عاطفی آنان را در نوجوانی و دوران بزرگسالی شکل می‌دهد (باولبی، ۱۹۹۷). صدها مطالعه نشان داده‌اند که الگوهای دلبستگی افراد، پیش‌بین مطمئنی برای تبیین تفاوت‌های آنان در ابعاد روان‌شناختی، وابستگی‌های اجتماعی، شناخت اجتماعی، روابط رمانتیک و زناشویی، انگیزش جنسی، میزان کنترل بر استرس‌ها و هیجانات، واکنش به جدائی‌ها، کارآمدی در روابط میان فردی، و طرحواره افراد نسبت به خود و دیگران است (بری، ۲۰۰۷؛ دلایر، ۲۰۰۷؛ کاپلان، ۲۰۰۰؛ میکولینسر، ۲۰۰۳). با توجه به بخشی از یافته‌های فوق، کیفیت دلبستگی کودک به مادر یا جانشین او، بطور نسبتاً قاطعی گویای میزان توانایی وی برای معاشرت و برقراری تعاملات سالم با دیگر افراد در دوران بزرگسالی است؛ همچنین با چشم داشت به این موضوع که کیفیت ارتباطات و وابستگی‌های میان افراد، بر سلامت جسمانی و روانی آنان

اثر گذار است (برکن، ۲۰۰۷) می توان اینگونه استنباط کرد که الگوهای ایمن و نایمن دلبستگی، زمینه ساز بستری است که وجود یا عدم وجود سلامت جسمانی و روانی افراد در دوران بزرگسالی را تعیین می کند. به عبارت دیگر انتظار می رود توزیع سبک های دلبستگی در میان کسانی که کارکردهای روانی - اجتماعی بهنجار دارند، متفاوت از کسانی باشد که کارکردهای نابهنجار در این حیطه ها دارند.

از سوی دیگر فرار [۵] از منزل رفتاری غیر عادی است که می توان آن را به عنوان یک نابهنجاری رفتاری و یا محصول و فرایند نابهنجاری های رفتاری نوجوان، خانواده و جامعه مورد بررسی قرار داد (میلانی فر، ۱۳۸۴). (دی مان، ۲۰۰۰) فرار از منزل را ترک خانه، حداقل به مدت یک شب که بدون رضایت والدین یا سرپرست قانونی رخ داده، می دانند. پژوهش هایی که در زمینه فرار از منزل انجام شده، گویای آن است که فرار دختران از منزل به طرز نگران کننده ای در حال افزایش است (تامپسون، ۲۰۰۸؛ گل پور، ۱۳۸۶). بطوری که امروزه در اکثر کشورهای جهان، فرار از خانه، به یک مشکل جدی تبدیل شده است. برخی پژوهش ها در این زمینه حاکی است که آمار دختران فراری در ایران، از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۸ حدود بیست برابر شده است (گل پور، ۱۳۸۶)، که این موضوع عامل تهدیدزایی برای سلامت خانواده و جامعه محسوب می شود. غالب پژوهش ها بر این موضوع متفق اند که دختران بیش از پسران از منزل می گریزند، بطوری که آنان ۶۰ تا ۷۴ درصد کل فراریان را به خود اختصاص می دهند (لان کنگ، ۲۰۰۸؛ حیدری، ۱۳۸۳). نوجوانی که از منزل می گریزد، در واقع بی خانمان می شود و پا به نیایی می گذارد که مشکلات بسیارش، آنان را به سمت انواع انحرافات می کشاند. تخلف، دزدی، تکدی گری، سوء استفاده از مواد، بی قیدی جنسی، روسپیگری [۶]، بیماری های مقاربتی، حاملگی و سقط جنین در بین دختران بی خانمان به شدت شایع است (ادینبراک، ۲۰۰۶؛ لان کنگ، ۲۰۰۸).

پژوهش ها نشان داده است اغلب نوجوانانی که فرار می کنند، شرایط بسیار دشواری را در خانواده ی خود تجربه کرده اند. بسیاری از آنان مهمترین دلیل فرار خود را ناسازگاری با والدین عنوان می کنند (حقیقت دوست، ۱۳۸۳؛ موسوی، ۱۳۸۶). طبق نتایج پژوهش ها عمومی ترین خصیصه ی مشترک در بین فراریان از خانه، مهارت های ضعیف ارتباطی بین اعضای خانواده، عدم مهارت در حل مسائل، انعطاف ناپذیری و انطباق ضعیف است (موسوی، ۱۳۸۶). از این رو کارشناسان آسیب های اجتماعی در بیان عوامل زمینه ساز فرار از منزل، بر نقش خانواده و کیفیت روابط حاکم بر آن

تاکید دارند. از سوی دیگر همچنان که عنوان شد، سبک‌های مختلف دل‌بستگی، ارتباطی قاطع با نحوه و کیفیت تعامل و روابط افراد با یکدیگر در بزرگسالی دارد. تلفیق این یافته‌ها، پژوهشگر را به این نتیجه رهنمون می‌کند که سبک‌های دل‌بستگی حتی اگر به تنهایی نتوانند رفتار فرار دختران از منزل را پیش‌بینی کنند، بدون شک معیار دقیقی برای سنجش بسترهای زمینه‌ساز رفتار فرار از خانه در دختران خواهند بود. از این رو فرضیه‌های پژوهش بر این مبنا و به این ترتیب مطرح شد:

۱- سبک دل‌بستگی ایمن بین دختران عادی در مقایسه با دختران فراری بیشتر است. ۲- سبک دل‌بستگی دوسوگرا بین دختران فراری در مقایسه با دختران عادی بیشتر است. ۳- سبک دل‌بستگی اجتنابی بین دختران فراری در مقایسه با دختران عادی بیشتر است. ۴- میزان شیوع فرار از منزل بین دختران دارای سبک‌های دل‌بستگی نایمن، در مقایسه با دختران دارای سبک‌های دل‌بستگی ایمن متفاوت است.

### روش تحقیق

#### جامعه و نمونه آماری

این تحقیق در چارچوب پژوهش‌های علی-مقایسه‌ای انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش در برگیرنده کلیه کلیه دختران عادی و فراری شهر تهران در زمان اجرای این پژوهش است. پژوهشگر برای انتخاب گروه نمونه دختران فراری، کلیه دخترانی را که از منزل متواری بوده و در زمان اجرای این پژوهش در مراکز مسئول نگهداری از دختران فراری سازمان بهزیستی شهر تهران، شامل مراکز مداخله در بحران دولت آباد، شهید نواب صفوی، هاجر، ارشاد و آصف است را همراه بخش دیگری از این دختران که در کانون اصلاح و تربیت شهر تهران نگهداری می‌شدند و جمعاً تعداد ۷۶ نفر را تشکیل می‌دادند، به عنوان گروه نمونه دختران فراری برگزید. همچنین از بین دختران عادی شهر تهران، تعداد ۷۶ نفر بگونه‌ای که از نظر سن با گروه دختران فراری معادل و هم‌تاسازی شده بودند، به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در نهایت پژوهشگر پیش از اجرای آزمون، خلاصه‌ای از اهداف پژوهش را برای آزمودنی‌ها بازگو و رضایت آنان را برای شرکت در پژوهش حاصل کرد. همچنین برای کاهش مقاومت آزمودنی‌ها برای پاسخدهی، آنان را توجیه نمود که لزومی به درج اطلاعات هویتی بر روی برگه‌ها نمی‌باشد و تاکید کرد که پاسخ‌هایشان محرمانه باقی خواهد ماند.

### ابزار اندازه گیری

گرد آوری داده‌ها به کمک یک ابزار دقیق و بسیار متداول در اندازه‌گیری سبک‌های دلبستگی بزرگسالان که توسط (هزن و شی وری، ۱۹۸۷) طراحی شده، انجام پذیرفت. این آزمون یک ابزار تک عاملی خود گزارش دهی است که با روابط بزرگسالان تطبیق داده شده است. مفروضه اصلی این آزمون، آن است که مشابهت‌هایی از سبک‌های دلبستگی نوزاد-مراقب را می‌توان در روابط بزرگسالان یافت (فنی، ۱۹۹۴، نقل از مظاهری، ۱۳۷۷). این ابزار اندازه‌گیری حاوی سه عبارت توصیفی از احساس‌های فرد درباره‌ی نوع رابطه‌اش و میزان نزدیکی و صمیمیت در روابط است که بر اساس تعمیم توصیف‌های آیزنورث و همکاران (۱۹۷۸) از طبقه‌بندی‌های دلبستگی نوزادان به گونه‌ای که با ویژگی‌های روابط بزرگسالان متناسب باشد، طراحی شده است. پژوهشگران متعددی ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار خود گزارش دهی را رضایت‌بخش دانسته‌اند. این ابزار نشان داده است که به شکل بسیار نیرومندی می‌تواند ویژگی‌های ارتباطی و سبک‌های دلبستگی را در بزرگسالان پیش‌بینی کند (مظاهری، ۱۳۷۹). روایی این پرسشنامه از نوع روایی محتوایی است. بدین معنی که محتوای گویه‌های آن با مفاهیم ساختاری نظریه دلبستگی و بسط عاملی آن به روابط بزرگسالان، همخوانی و هماهنگی دارد. ضریب پایایی این پرسشنامه در دو تحقیق مختلف، (صدقی، ۱۳۸۳؛ عزیزی، ۱۳۸۲، نقل از نظری، ۱۳۸۴) به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۷۲ گزارش شده است.

### یافته‌ها

نظر به اینکه سن دختران، متغیر کنترل این پژوهش بود، لذا اطلاعات بدست آمده در مورد این عامل در دو گروه دختران عادی و فراری، گویای آن است که پراکندگی سنی این دو گروه تقریباً یکسان است. بدین ترتیب که میانگین سنی در گروه دختران عادی ۲۰/۲۰ سال و در گروه دختران فراری ۲۰/۲۴ سال است و انحراف استاندارد آن‌ها به ترتیب ۴/۹۵ و ۴/۹۰ به دست آمد. ضمناً بیشترین فراوانی سنی در هر دو گروه، متفقاً ۱۷ سال بود. کمترین و بیشترین سن نیز در هر دو گروه بطور مشترک و به ترتیب ۱۴ و ۳۲ سال به دست آمد. همچنین جدول ۱ وضعیت نمرات سبک‌های دلبستگی دو گروه دختران عادی و فراری را نشان می‌دهد. مقایسه یافته‌ها در دو گروه، گویای آن است که بیشترین نمره و بالاترین میانگین در هر دو گروه، به سبک دلبستگی ایمن اختصاص دارد. با این وجود بین میانگین نمرات هر دو گروه، تفاوت زیادی مشاهده می‌شود.

همچنین مقایسه شاخص انحراف استاندارد دو گروه، نشان دهنده‌ی پراکندگی بیشتر نمرات گروه دختران فراری در مقایسه با گروه دختران عادی است.

جدول شماره (۱) وضعیت نمرات سبک‌های دلبستگی دختران دو گروه عادی و فراری

| گروه         | سبک دلبستگی | نمره | میانگین | انحراف استاندارد | واریانس |
|--------------|-------------|------|---------|------------------|---------|
| دختران عادی  | ایمن        | ۵۰۵  | ۶/۶۴    | ۲/۳۷             | ۵/۶۴    |
|              | اجتنابی     | ۲۵۸  | ۳/۳۹    | ۲/۴۱             | ۵/۸۱    |
|              | دوسوگرا     | ۲۲۱  | ۲/۹۱    | ۲/۵۳             | ۶/۴۰    |
| دختران فراری | ایمن        | ۳۷۳  | ۵/۱۸    | ۳/۱۸             | ۱۰/۱۵   |
|              | اجتنابی     | ۳۴۶  | ۴/۸۱    | ۳/۱۲             | ۹/۷۳    |
|              | دوسوگرا     | ۳۶۷  | ۵/۱۰    | ۳/۰۴             | ۹/۲۴    |

برای بررسی فرضیه‌های پژوهش و پی بردن به میزان شیوع سبک‌های مختلف دلبستگی در دو گروه دختران عادی و فراری، از آزمون  $t$  برای مقایسه دو میانگین مستقل [۷] و نیز برای آگاه شدن از ارتباط سبک‌های دلبستگی با فرار دختران، از آزمون مجذور خی دو استفاده شد. در مجموع از این تحلیل‌ها در پی آن بودیم که از سهم معنادار سبک‌های دلبستگی، در تبیین و پیش بینی رفتار فرار دختران از منزل آگاه شویم.

نتایج آزمون  $t$  در مورد فرضیه اول یعنی شیوع بیشتر سبک دلبستگی ایمن بین دختران عادی در مقایسه با فراری، نشان داد این فرضیه در سطح  $\alpha = 0/01$  مورد تایید قرار می‌گیرد. به این معنی که با عنایت به معنی دار شدن تفاوت بین دو میانگین، می‌توانیم با  $0/99$  اطمینان بیان نماییم که فرضیه ارائه شده صحت دارد؛ یعنی سبک دلبستگی ایمن بین دختران عادی در مقایسه با دختران فراری شیوع بیشتری دارد (جدول ۲).

نتایج آزمون  $t$  در مورد فرضیه دوم یعنی شیوع بیشتر سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا بین دختران فراری در مقایسه با دختران عادی، گویای تفاوت معنی دار بین میانگین دو گروه و تایید این فرضیه در سطح  $\alpha = 0/01$  بود. بدین لحاظ شیوع بیشتر سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا بین دختران فراری در مقایسه با دختران عادی در سطح  $0/99$  اطمینان مورد پذیرش قرار گرفت (جدول ۲).

نتایج آزمون  $t$  در مورد فرضیه سوم یعنی شیوع بیشتر سبک دلبستگی نایمن اجتنابی بین دختران فراری در مقایسه با دختران عادی، که در سطح  $\alpha = 0/01$  مورد آزمون قرار گرفت، عامل تایید

مقایسه سبک های دلبستگی دختران عادی و فراری هر تهران..... ۱۲۷

این فرضیه شد. بدین معنی که با ۰/۹۹ اطمینان پذیرفته شد سبک دلبستگی نایمن اجتنابی بین دختران فراری در مقایسه با دختران عادی شیوع بیشتری دارد (جدول ۲).

جدول شماره (۲) نتایج آزمون مقایسه دو میانگین مستقل در مورد سه فرضیه اول

|              | تست لون برای<br>برابری واریانس ها | آزمون تی برای برابری واریانس ها |          |       |               |                      |                        |                               |                                  |       |
|--------------|-----------------------------------|---------------------------------|----------|-------|---------------|----------------------|------------------------|-------------------------------|----------------------------------|-------|
|              |                                   | آزمون<br>نسبت                   | معناداری | تی    | درجه<br>آزادی | معناداری<br>دو دامنه | میانگین<br>تفاوت<br>ها | خطای<br>استاندارد<br>تفاوت ها | فاصله اطمینان<br>تفاوت ها در ۹۵٪ |       |
|              |                                   |                                 |          |       |               |                      |                        |                               | پایین                            | بالا  |
| فرضیه<br>اول | برابری<br>واریانس ها              | ۱۱/۱۴۹                          | ۰/۰۰۱    | ۳/۳۱۸ | ۱۴۶           | ۰/۰۰۱                | ۱/۵۱                   | ۰/۴۵۴                         | ۰/۶۰۹                            | ۲/۴۰۳ |
| فرضیه<br>دوم | برابری<br>واریانس ها              | ۳/۴۲۵                           | ۰/۰۶۵    | ۴/۴۱۰ | ۱۴۶           | ۰/۰۰۰                | ۲/۰۴                   | ۰/۴۶۴                         | ۱/۱۲۸                            | ۲/۹۶۱ |
| فرضیه<br>سوم | برابری<br>واریانس ها              | ۱۰/۰۵۵                          | ۰/۰۰۲    | ۳/۱۴۰ | ۱۴۶           | ۰/۰۰۲                | ۱/۴۴                   | ۰/۴۵۹                         | ۰/۵۳۴                            | ۲/۳۴۶ |

نتایج آزمون ۲٪ در مورد فرضیه چهارم یعنی متفاوت بودن میزان شیوع فرار از منزل بین دختران دارای سبک های دلبستگی نایمن در مقایسه با دختران دارای سبک های دلبستگی ایمن، عامل رد فرض صفر و تایید فرضیه پژوهشی در سطح  $\alpha/2 = 0.01$  بود. به این معنی که با اطمینان ۰/۹۹ اطمینان پذیرفته شد که شیوع فرار از منزل بین دختران دارای سبک های دلبستگی نایمن در مقایسه با دختران دارای سبک های دلبستگی ایمن متفاوت است (جدول ۳).

جدول شماره (۳) نتایج آزمون خی دو در مورد فرضیه چهارم

| گروه         | سبک دلبستگی ایمن |             | سبک دلبستگی نایمن |             |
|--------------|------------------|-------------|-------------------|-------------|
|              | مشاهده شده       | مورد انتظار | مشاهده شده        | مورد انتظار |
| دختران عادی  | ۵۱               | ۳۵/۵۰       | ۲۱                | ۳۶/۵۰       |
| دختران فراری | ۱۹               | ۳۴/۵۰       | ۵۱                | ۳۵/۵۰       |
| جمع          | ۷۰               | ۷۰          | ۷۲                | ۷۲          |

$$\chi^2 = 27/10$$

### بحث

از ادبیات موجود در زمینه دلبستگی چنین بر می آید که کیفیت دلبستگی مادر - نوباوه، بر چگونگی کارکردهای روانی - اجتماعی فرد در طول زندگی، اثرگذار است (دلایر، ۲۰۰۷؛ سیمپسون، ۲۰۰۷) اما بنا به دلایل مختلفی که پژوهش در حیطه دلبستگی دختران فراری را محدود می کند،

کمتر پژوهشی به بررسی سبک های دلبستگی دختران فراری پرداخته است. از این رو مطالعه ی حاضر سعی در پر کردن این شکاف پژوهشی داشته است. هدف ویژه ی پژوهش حاضر، بررسی چگونگی توزیع سبک های دلبستگی دختران فراری در قیاس با دختران عادی و پی بردن به ارتباط هر یک از این سبک ها با فرار دختران از منزل بوده است.

یافته های توصیفی این پژوهش، نشان داد که اختلاف میانگین نمرات دختران گروه عادی در مقایسه با دختران گروه فراری، برای سبک دلبستگی ایمن، ۱/۴۶ و برای سبک های دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا، به ترتیب ۰/۷۹- و ۲/۱۹- است. این یافته ها که تا حدی به تنهایی مؤید فرضیات پژوهش است، با یافته های تحقیقات پیشین (آلگایر، ۱۹۹۵، روبرتسون، ۲۰۰۶، حمیدی، ۱۳۸۲) که توزیع سبک های دلبستگی را در دو جامعه ی عمومی و افراد دارای کارکردهای نابهنجار بررسی کرده اند، همسویی دارد. همسویی فرا فرهنگی یافته ها در این زمینه را می توان بر پایه ی این احتمال تبیین کرد که این موضوع ناشی از تأثیر کلی الگوهای دلبستگی و یا بواسطه ی وجود برخی ویژگی های خاص است که به میزان متفاوت در دو گروه دلبستگان ایمن و نایمن وجود دارد. به گونه ای که این ویژگی ها در کل، دلبستگان نایمن را به سوی رفتارها و یا واکنش های نابهنجار سوق می دهد و یا همچون خصیصه ای سلبی عمل می کند که ابزار لازم برای مواجهه با تنش های زندگی را از آنان سلب کرده و زمینه ای فراهم می کند که در مقابل استرس ها و آشفتگی های معمول زندگی، واکنشی ناسازگارانه داشته باشند. از سوی دیگر این تبیین ها می تواند در مورد دلبستگان ایمن به شکل معکوس صادق باشد تا بدین طریق فراوانی کمتر رفتارهای نابهنجار در این گروه، توجیه شود.

اطلاعات حاصل از مقایسه سبک های دلبستگی دختران عادی و فراری نشان گر آن است که یکی از تفاوت های اساسی این دو گروه، در الگوهای دلبستگی آنان است. بطوری که سبک دلبستگی ایمن بین دختران عادی و سبک های دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا بین دختران فراری بطور معناداری شایع تر از گروه دیگر است. این یافته با پژوهش حمیدی (۱۳۸۲) که درصد سبک های دلبستگی را در جامعه ی دختران فراری برای سبک های ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا به ترتیب ۲۸٪، ۱۰٪ و ۶۸٪ به دست آورد، همسو است. روشن است که این درصدها، تفاوت فاحشی با نسبت این سبک ها در جامعه ی عمومی دارد (برای مثال روبرتسون، ۲۰۰۶، مظاهری، ۱۳۷۹) می توان تبیین های چندی برای این یافته ها در نظر گرفت: نخست آنکه به استناد یافته های



پژوهشی (رحیمیان، ۱۳۸۶)، اعتماد به خود [۸]، به عنوان یکی از ویژگی های اساسی دلبستگان ایمن، به آنان این توانایی را می دهد که در روابط و تعاملات بین شخصی با مهارت، اطمینان و آرامش بیشتر به تعامل پردازند. در حالی که فقدان اعتماد به خود در سطح مطلوب، توان رویارویی با موقعیت های استرس زا را در دلبستگان نایمن کاهش می دهد و در ماندگی روان شناختی را بر آنان تحمیل می کند. این عوامل سبب می شود تا دلبستگان نایمن، قدرت تحمل ضربه های محیطی را نداشته و در اتخاذ شیوه های مناسب برای مواجهه با تنیدگی ها ناکارآمد باشند (بشارت، ۱۳۸۲). بر این مبنا می توان عنوان کرد که توان نابرابر دختران دلبسته ایمن و نایمن، در مواجهه با تنش ها و استرس های معمول زندگی، عامل کنش های دو گانه ای از سوی این دو گروه از دختران می شود. بدین گونه که دختران دلبسته ایمن، با انتخاب روش های مقابله ای مناسب، تنش ها و استرس های زندگی را پشت سر می گذارند در حالی که ناکفایتی دختران دلبسته ایمن، به واکنش های ناسازگارانه ای همچون فرار از خانه منجر می شود. یافته های پژوهش دلایر و وینراب (۲۰۰۷) مؤید همین مسئله است. این پژوهش نشان داد افراد دلبسته ایمن در مقایسه با دلبستگان نایمن، نگاه متفاوتی به مسائل تهدید کننده و اضطراب زای محیطی دارند و به طرز خاصی آنها را پردازش می کنند؛ این پژوهشگران معتقد بودند که این ویژگی های افراد دلبسته ایمن، در نهایت همچون سپری عمل می کند که آن ها را از مواجهه با مسائل پرتنش و اضطراب زای محیطی محفوظ می دارد. خانجانی (۱۳۸۴) به پژوهش هایی اشاره می کند که همسو با یافته های این تحقیق و مؤید این مطلب است که عامل مشکل زای اصلی در دلبستگان نایمن اجتنابی، مشکلات ارتباطی و هیجانی است در حالی که مهارت های مقابله ای محدودتر، خوداتکائی پایین تر و نیز ناتوانی های هیجانی، مهمترین عوامل آسیب زا در دلبستگان نایمن دوسوگرا است.

از سوی دیگر با توجه به اینکه بخش عمده ای افراد فراری، نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله هستند (حیدری، ۱۳۸۱) و از آنجائی که این افراد در بحبوحه ای تغییرات سریع و گسترده ای نوجوانی قرار دارند، روابط آنها با دیگران و بخصوص افراد خانواده، دچار تنش های نوینی می شود. این امر بخصوص در جریان تغییر سطوح ادراکی از خود، همتایان و والدین که به تغییر در الگوهای کلی آرمانی سازی به نا آرمانی سازی منجر می شود، حائز اهمیت است، چرا که چنین تغییری نیازمند شکل دهی ساختارهای جدیدی در روابط است (شهرآرای، ۱۳۸۴). این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که پژوهش های گسترده ای نشان داده اند که افراد دلبسته ایمن در مقایسه با افراد

نایمن، توانایی بیشتری در برقراری ارتباطات موثر با دیگران داشته و در روابط میان‌فردی، بویژه تعاملات خانوادگی، کارآمدی بیشتری دارند (شی و، ۲۰۰۵؛ کاپلان، ۲۰۰۰). در این راستا مطالعاتی در دست است که نشان می‌دهد اغلب دختران فراری، مهمترین دلیل فرار خود را ناسازگاری با والدین عنوان کرده‌اند و در مراحل بعدی از انگیزه‌هایی همچون اغفال، عدم امنیت در خانواده، وضع اقتصادی نامناسب و ... یاد کرده‌اند (صادقی حسوندد، ۱۳۸۶، موسوی، ۱۳۸۶). این در حالی است که سبک‌های مختلف دلبستگی، ارتباطی قاطع با نحوه و کیفیت تعامل و روابط افراد با یکدیگر در بزرگسالی دارد. تلفیق این یافته‌ها، ما را به این نتیجه رهنمون می‌کند که دختران دلبسته ایمن، بنا به اینکه در روابط و تعاملات خود تواناترند، منابع اجتماعی و عاطفی بیشتری داشته و از قابلیت‌های بیشتری برای حل تنش‌های پیش آمده، بهره‌مند خواهند بود. این یافته‌ها با پژوهش سامانی (۱۳۸۴) که روابط ناکارآمد والدین با دختر نوجوان و به دنبال آن ناخشنودی دختران جوان از زندگی با والدین را به عنوان یکی از عوامل فرار دختران می‌دانست، همسو است.

یافته‌ی دیگر این پژوهش نشان داد که میزان شیوع فرار از منزل بین دختران دارای سبک‌های دلبستگی نایمن متفاوت (بالا تر) از دختران دارای سبک‌های دلبستگی ایمن است. تبیین‌های احتمالی این تفاوت می‌تواند بر دو ویژگی شاخص و ممیز دلبستگی ایمن از نایمن متمرکز باشد. اولین ویژگی، مجاورت جویی [۹] است. این ویژگی که با خصیصه‌ی دیگری یعنی اعتماد به دیگران، در این افراد مرتبط است، زمینه‌ای فراهم می‌کند تا فرد در کل، جهان را مکانی امن بداند و احساس کند که می‌تواند بطور مؤثر با دیگر افراد ارتباط برقرار کند. این ویژگی در نهایت، مهارت‌های ارتباطی فرد را تقویت می‌کند و روابط بین شخصی و متقابل وی با دیگران را در سطح مطلوبی قرار می‌دهد. ویژگی دیگر، رفتار اکتشافی [۱۰] است. این خصیصه جسارت و انعطاف‌پذیری فرد را در آزمون‌گری و تجربه‌اندوزی افزایش می‌دهد و باعث ارتقاء مهارت‌های حل مسئله در فرد می‌شود (بشارت، ۱۳۸۲). این در حالی است که پژوهش‌های مختلفی که بر عوامل فرار از منزل متمرکز بوده‌اند، بر این موضوع متفق‌اند که عمومی‌ترین ویژگی‌های مشترک در بین فراریان از خانه، مهارت‌های ضعیف ارتباطی، عدم مهارت در حل مسائل، انعطاف‌ناپذیری و انطباق ضعیف است (موسوی، ۱۳۸۶؛ خاکپور، ۱۳۸۳).

جمع‌بندی اجمالی این یافته‌ها، گویای آن است که بی‌کفایتی در تعاملات میان‌فردی، انعطاف‌ناپذیری و عدم مهارت در حل مسائل، به عنوان مهمترین پیامدهای سبک‌های دلبستگی نایمن،

مقایسه سبک های دلبستگی دختران عادی و فراری هر تهران..... ۱۳۱

دختران را در معرض رفتار نابهنجار فرار از منزل قرار می دهد. شمار کم آزمودنی ها، شیوهی نمونه گیری در دسترس و نیز نبود امکان هم‌تاسازی دو گروه از نظر سایر متغیرهای مداخله گر، از جمله محدودیت های این پژوهش می باشد. در این راستا پیشنهاد می شود مطالعات بعدی، ضمن تلاش برای رفع محدودیت های پژوهش حاضر، بر اثربخشی روش هایی معطوف شوند که می تواند در جهت دهی سبک های دلبستگی نایمن به سوی ایمن موثر باشند.

### سپاسگزاری

بدین وسیله از مسئولین محترم اداره بهزیستی و نیز کانون اصلاح و تربیت شهر تهران بواسطه ی همکاری و مساعدتی که در اجرای این پژوهش داشتند، تشکر و قدردانی می شود.

### پی نوشت ها

- |                       |                                  |
|-----------------------|----------------------------------|
| 1-Bowlby              | 6-prostitution                   |
| 2-secure              | 7-two independent samples t test |
| 3-insecure            | 8-self confidence                |
| 4-close relationships | 9-proximity seeking              |
| 5-running away        | 10-exploration                   |

### فهرست منابع و مآخذ

- برک، لورا ای (۱۳۸۴). روان شناسی رشد. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر ارسباران، بشارت، محمدعلی؛ و فیروزی، منیژه (۱۳۸۲). مقایسه ی زنان و مردان نابارور بر حسب سبک های دلبستگی و سازش روان شناختی با ناباروری. *مجله ی روان شناسی و علوم تربیتی*. سال سی و سوم. شماره ۲. ۴۵-۲۷.
- حقیقت دوست، زهرا (۱۳۸۳). عوامل زمینه ساز فرار دختران از خانه. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. ۱۳. ۲۵۱
- حمیدی، فریده (۱۳۸۲). بررسی ساخت خانواده سبک دلبستگی در دختران فراری و اثربخشی خانواده درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آنها. پایان نامه دکتری. دانشگاه تربیت مدرس
- حیدری، مریم (۱۳۸۱). *روان شناسی فرار از خانه*. اصفهان: انتشارات مهرقائم، خانجانی، زینب (۱۳۸۴). *تحول و آسیب شناسی دلبستگی از کودکی تا نوجوانی*. تبریز: انتشارات فروزش، خاکپور، مسعود. (۱۳۸۳). *نقش خانواده در فرار دختران از منزل*. کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، خوشابی، کتابون؛ و ابو حمزه، الهام (۱۳۸۶). *جان بالبی: نظریه دلبستگی*. تهران: نشر داتژه، رحیمیان بوگر؛ اسحق، نوری، ابوالقاسم؛ عریضی، حمیدرضا؛ مولوی، حسین؛ و فروغی مبارکه، عبدالرضا (۱۳۸۶). رابطه سبک های دلبستگی بزرگسالان با رضایت و استرس شغلی پرستاران. *مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*. سال سیزدهم. شماره ۲. ۱۵۷-۱۴۸
- سادوک، بنیامین؛ و سادوک، ویرجینیا (۱۳۸۴). *خلاصه روانپزشکی: علوم رفتاری-روانپزشکی*. ترجمه ی نصرت الهه پورافکاری. تهران: انتشارات شهرباب،

۱۳۲ .....مجله جامعه‌شناسی معاصر، سال اول/شماره چهارم/پاییز ۱۳۸۸

ساری، لیلا(۱۳۸۳). "رویکرد جرم‌شناختی به پدیده‌ی فرار از منزل". پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. واحد علوم و تحقیقات. دانشگاه آزاد اسلامی.

سامانی، سیامک(۱۳۸۴). همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی در دختران فراری از خانه. **مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران**. سال یازدهم. شماره ۲.

شهرآرای، مهرناز(۱۳۸۴). **روان‌شناسی رشد نوجوان: دیدگاه تحولی**. تهران: نشر علم،  
عارف نظری، مسعود(۱۳۸۵). "مقایسه الگوهای دلبستگی در مردان تک‌همسر و چند همسر". پایان‌نامه‌ی دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی: واحد علوم و تحقیقات.

کاپلان، پاول اس(۱۳۸۴). **سفر پرماجرایی کودک: روان‌شناسی رشد**. ترجمه‌ی مهرداد فیروزبخت. تهران: انتشارات رسا،

صادقی حسونند، سیما(۱۳۸۶). "بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی در رابطه ولی‌فرزندی مادران و دختران دارای ریسک فرار در دانش‌آموزان دختر نواحی آموزش و پرورش کرج ۸۶-۸۵". پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. واحد علوم و تحقیقات. دانشگاه آزاد اسلامی.

مظاهری، محمد علی(۱۳۷۷). **الگوهای دلبستگی نوزادان ایرانی**. مجله روان‌شناسی. ۴-۸.

مظاهری، محمد علی(۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش‌وری ازدواج. **مجله روان‌شناسی**. ۴-۱۵.

میلانی فر، بهروز(۱۳۸۴). **روان‌شناسی کودکان و نوجوانان استثنائی**. تهران: نشر قومس،

موسوی، شکوفه(۱۳۸۶). فرار از خانه: مروری بر عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی. تهران: نشر قطره،

Ainsworth, Mary D. Bowlby, John(1991). An ethological approach to personality development. **American psychology**. Vol, 46. 333-341

Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E. & Wall, S(1978). **Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation**. Hillsdale, NJ: Erlbaum,

Allgeier, A. R. and Allgeier, E. R(1995). Sexual interaction. **Health and company**. lexington  
Berkman, Lisa F. Glass, Thomas. Brissette, Ian. Seeman, Teresa E(2007). From social integration to health: Durkheim in the new millennium. **Social Science & Medicine** 51

Berry, Katherine. Barrowclough, Christine. Wearden, Alison(2007). A review of the role of adult attachment style in psychosis: Unexplored issues and questions for further research. **Clinical Psychology Review** 27 (2007) 458-475

Bowlby, J(1969). **Attachment and loss**: Vol. 1. Attachment. New York: Basic books,

Dallaire, Danielle H. Weinraub(2007). Marsha. Infant-mother attachment security and children's anxiety and aggression at first grade. **Applied Developmental Psychology** 28

Daniel, Sarah I.F(2006). Adult attachment patterns and individual psychotherapy: A review. **Clinical Psychology Review**. 26

Demant, A.F(2000). Predictors of adolescent running away behavior. **Social behavior and personality**. 28.

Edinburgh, Laurel. Saewyc, Elizabeth. Levitt, Carolyn(2006). Sexual Exploitation of Very Young Hmong Girls. **Journal of Adolescent Health**, 39. 111-118

Gillath, Omri. Bunge, Silvia A. Shaver, Phillip R. Wendelken, Carter. Mikulincer, Mario (2005). Attachment-style differences in the ability to suppress negative thoughts: Exploring the neural correlates. **NeuroImage** 28, 835 - 847

Hazan, C. Shaver, P.R(1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. Journal of personality. **Attachment psychology**. S2.

- Lan Khong, Lana Yiu(2008). Runaway youths in Singapore: Exploring demographics, motivations, and environments. **Children and Youth Services Review**. doi:10.1016/j.chilyouth.07.005
- Meredith, Pamela. Ownsworth, Tamara. Strong, Jenny(2008). A review of the evidence linking adult attachment theory and chronic pain: Presenting a conceptual model. **Clinical Psychology Review** 28. 407-429
- Mikulincer, M., Shaver, P.R.(2003). The attachment behavioral system in adulthood: activation , psychodynamics, and interpersonal processes. In: Zanna, M.P. (Ed.), *Adv. Exp. Soc. Psychol.*, vol. 35. **Academic Press, San Diego**, pp. 53- 152.
- Robertson, Kendra C(2006). Attachment and caregiving behavioral systems in intercountry adoption: A literature review. **Children and Youth Services Review**. 28, 727- 740
- Shaver, Phillip R. Mikulincer, Mario. (2005). Attachment theory and research: Resurrection of the psychodynamic approach to personality. **Journal of Research in Personality**39.22-45
- Simpson, Jeffry A. Collins,W. Andrew. Tran, SiSi. Haydon. Katherine C(2007).Attachment and the Experience and Expression of Emotions in Romantic Relationships: A Developmental Perspective.**Journal of Personality and Social Psychology**.92.No.2,355-367
- Thompson, Sanna J. Bender, Kimberly A. Lewis, Carol M. Watkins, Rita, M,S,W(2008). Runaway and Pregnant: Risk Factors Associated with Pregnancy in a National Sample of Runaway/Homeless Female Adolescents. **Journal of Adolescent Health** 43. 125-132